

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

درس دوم فصل اول: ریشه و شاخه های فلسفه

- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است.
- بخش اصلی به منزله ریشه و اساس فلسفه است و بخش های فرعی در حکم شاخه ها و ستون های آنند.

بخش اصلی و ریشه ای فلسفه

این بخش از فلسفه در صدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است.

فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند؛ مثلاً بدانند که آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه.

از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، آنان می خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می تواند به شناخت هستی بپردازد؛ مثلاً می خواهند بدانند که آیا انسان می تواند قانون علیت را دریابد و به وجود چنین قانونی در جهان مطمئن باشد؟ از این رو بخش اصلی و ریشه ای فلسفه را به دو بخش تقسیم می کنیم:

۱- هستی شناسی (ontology) که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند.

۲- معرفت شناسی (Epistemology) که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد

(نکته مهم پاورقی کتاب: فلسفه که علم درباره هستی است، در حقیقت همان وجودشناسی است و معرفت و علم به عنوان یکی از اقسام هستی، در داخل همان وجودشناسی قرار می گیرد. اما به علت مباحث فراوانی که در معرفت شناسی هست، این بخش توسعه فراوانی یافته و امروزه با عنوان مستقل معرفت شناسی مورد بحث قرار می گیرد.)

شاخه های فلسفه

- شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند؛ به طور مثال، اگر کسی در وجودشناسی پذیرفته باشد که «وجود بر دو قسم مادی و مجرد از ماده است» چنین کسی در انسان شناسی فلسفی خود می تواند بگوید که «انسان» نیز دارای دو بُعد مادی و مجرد است. حال، کسانی که معتقد باشند انسان دارای این دو بُعد است، در علم روان شناسی به بُعد مجرد او هم می پردازند و جایگاه آن را در رفتار و تربیت نشان می دهند.
- با تأمل فیلسوفانه در حوزه هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت، شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت شکل می گیرد. امروزه دامنه این فلسفه ها بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی، دارای شاخه ای از فلسفه نیز هست، مانند فلسفه فرهنگ، فلسفه تکنولوژی و فلسفه حقوق.



- این قبیل شاخه های فلسفه را «فلسفه های مضاف» می نامند؛ زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است؛ مانند «فلسفه فیزیک» که به کلمه «فیزیک» اضافه شده است.

فلسفه های مضاف و علوم

- مبانی و زیربنای علوم در فلسفه های مضاف قرار دارند و آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد.

فلسفه علوم اجتماعی :

- فلسفه علوم اجتماعی، یکی از شاخه های مهم فلسفه است.
- یکی از مسائل مورد توجه در این شاخه از فلسفه این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد.

اصالت فرد :

- گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه ای از افراد می دانند که کنار هم زندگی می کنند.
- آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته و در برنامه ریزی های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن، بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارند و در سیاست نیز معتقد به « لیبرالیسم » هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است.

اصالت جامعه :

- گروهی دیگر از فیلسوفان معتقدند که افراد یک جامعه، نقشی و هویت مستقلی ندارند و افکار و اندیشه ها و تصمیم گیری های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است.
- این گروه، برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان، سمت و سوی اجتماعی دارد و منافع جمع را در اولویت قرار می دهند و در سیاست نیز به « سوسیالیسم » اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است.

میزان تأثیر این دو دیدگاه :

- این دو دیدگاه که در فلسفه علوم اجتماعی شکل گرفته، تأثیر زیادی در شیوه بررسی مسائل اجتماعی توسط جامعه شناسان دارد.

طرفداران اصالت فرد و جامعه

- در این میان، دیدگاه سومی نیز وجود دارد که معتقد است هم افراد اصالت دارند و هم جامعه.
- اینان معتقدند که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند.
- اینان معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در جامعه شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار دهد.
- این دیدگاه فلسفی قائل به اصالت فرد و جامعه، توأمان است.

پاسخ فعالیت های درس دوم

▪ دسته بندی ص ۱۲

گزاره های فلسفی زیر، نظر برخی فیلسوفان درباره موضوعات مختلف فلسفی است. اگر دقت کنید، می بینید برخی از آنها اساسی تر و بنیادی تر هستند. این گزاره ها را در ردیف یک و بقیه را در ردیف دو علامت بزنید؟

ردیف	نوع گزاره	۱	۲
۱	انسان مدنی بالطبع است و ذاتا به زندگی اجتماعی گرایش دارد.		*
۲	هستی یک وجود بی انتهاست و حد و مرزی ندارد.	*	
۳	اساس حکومت و سیاست را قدرت تشکیل می دهد.		*
۴	زندگی را با امید به آینده بنا کن، زیرا جهان طراحی دقیقی دارد.		*
۵	تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می کند.		*
۶	درک واقعیت های هستی امکان پذیر است.		*
۷	برخی از فضائل اخلاقی ذاتا ارزشمند هستند.		*
۸	قانون علیّت در سراسر عالم جاری و ساری است.	*	
۹	موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند.	*	
۱۰	راه های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد.		*

بررسی ص ۱۳

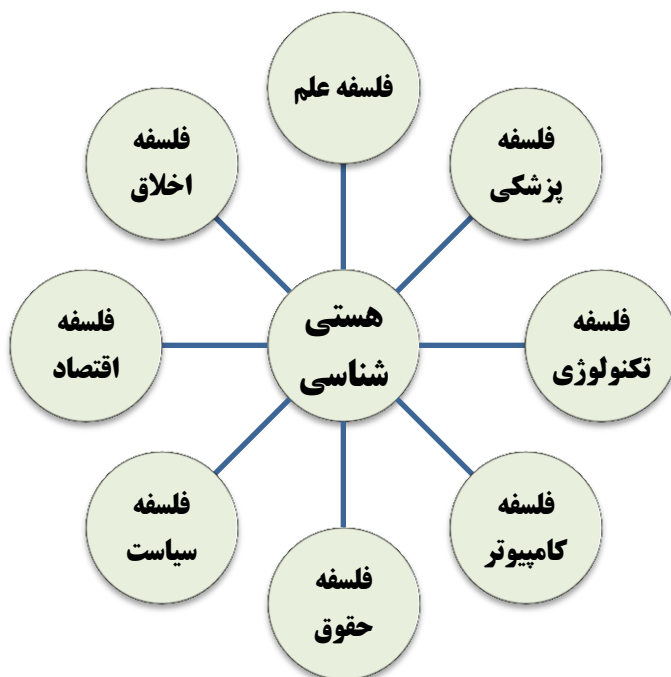
بار دیگر به فعالیت ابتدای درس بازگردید و ببینید که کدام یک از گزاره ها مربوط به وجودشناسی و کدام مربوط به

معرفت شناسی است.

ردیف	نوع گزاره	وجودشناسی	معرفت شناسی
۱	هستی یک وجود بی انتهاست و حد و مرزی ندارد.	*	
۲	درک واقعیت های هستی امکان پذیر است.		*
۳	قانون علیّت در سراسر عالم جاری و ساری است.	*	
۴	موجودات جهان به دو دسته زوال پذیر و زوال ناپذیر تقسیم می شوند.	*	
۵	راه های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد.		*

تکمیل کنید : ص ۱۵

نام فلسفه های مضافی را که می دانید، در دایره های خالی بنویسید.



▪ دسته بندی ص ۱۷

بار دیگر به فعالیت ابتدای درس بازگردید و نام فلسفه مضاف هر یک از گزاره ها را که به شاخه های فلسفه مربوط می شوند، روبه روی آنها بنویسید.

ردیف	گزاره	نام فلسفه مضاف
۱	انسان مدنی بالطبع است و ذاتا به زندگی اجتماعی گرایش دارد.	فلسفه اجتماع یا فلسفه جامعه شناسی
۲	اساس حکومت و سیاست را قدرت تشکیل می دهد.	فلسفه سیاست
۳	زندگی را با امید به آینده بنا کن، زیرا جهان طراحی دقیقی دارد.	فلسفه انسان، انسان شناسی
۴	تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می کند.	فلسفه تاریخ
۵	انسان توانایی درک واقعیت های هستی را دارد.	معرفت شناسی
۶	برخی از فضائل اخلاقی ذاتا ارزشمند هستند.	فلسفه اخلاق

درس دوم فصل اول : ریشه و شاخه های فلسفه

سوالات تشریحی

۱- بخش اصلی دانش فلسفه درصدد بحث و بررسی چه موضوعی است ؟

بخش اصلی که به منزله ریشه و اساس فلسفه است، درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است.

۲- مقصود از بخش های فرعی دانش فلسفه چیست ؟

بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان میکنند.

۳- تفاوت و تمایز میان بخش اصلی دانش فلسفه و بخش های فرعی آن را در چه می دانید ؟ آن را توضیح دهید.

بخش اصلی که به منزله ریشه و اساس فلسفه است، درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است

و بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی

وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند

۴- تلاش فیلسوفان در بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن به چه هدفی صورت می گیرد ؟ با ذکر یک مثال آن را توضیح دهید.

فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند؛ مثلاً بدانند که

آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه.

و از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، آنان می خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را

هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می تواند به شناخت هستی پردازد.

۵- اصطلاحات روبرو را تعریف کنید . الف) هستی شناسی ب) معرفت شناسی

الف) درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند.

ب) توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد .

۶- اگر کسی در وجودشناسی بپذیرد که « وجود بر دو قسم مادی و مجرد است » در زمینه انسان شناسی فلسفی

چه دیدگاهی خواهد داشت ؟

اگر کسی در وجودشناسی پذیرفته باشد که « وجود بر دو قسم مادی و مجرد از ماده است » چنین کسی در

انسان شناسی فلسفی خود می تواند بگوید که « انسان » نیز دارای دو بُعد مادی و مجرد است .

۷- کسانی که در زمینه انسان شناسی فلسفی ، انسان را دارای دو بعد مادی و مجرد می دانند در علم روان شناسی

چه دیدگاهی خواهند داشت ؟

کسانی که معتقد باشند انسان دارای این دو بُعد مادی و مجرد است، در علم روان شناسی به بُعد مجرد او هم

می پردازند و جایگاه آن را در رفتار و تربیت نشان می دهند .

۸- آیا امروزه می توان برای هر رشته علمی یک شاخه از فلسفه نیز طراحی کرد و نحوه پیدایش آنها چگونه است ؟

آری، با تأمل فیلسوفانه در حوزه هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت، شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت شکل می گیرد. امروزه دامنه این فلسفه ها بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی، دارای شاخه ای از فلسفه نیز هست، مانند فلسفه فرهنگ، فلسفه تکنولوژی و فلسفه حقوق.

۹- چرا به « فلسفه علم »، « فلسفه هنر »، « فلسفه اخلاق » و « فلسفه فیزیک » فلسفه های مضاف می گویند؟

این قبیل شاخه های فلسفه را « فلسفه های مضاف » می نامند؛ زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است؛ مانند « فلسفه فیزیک » که به کلمه « فیزیک » اضافه شده است یا « فلسفه علم » که به کلمه « علم » اضافه شده است.

۱۰- تعیین کنید هر یک از موارد زیر به دانش های خاص برمی گردد یا به ریشه و شاخه های فلسفه .

الف) معرفت شناسی (ب) فلسفه حقوق (ج) فلسفه تکنولوژی (د) علم اقتصاد
و) علم پزشکی (ه) فلسفه علم پزشکی (ی) وجودشناسی

الف، ی) ریشه فلسفه (ب، ج، ه) شاخه های فلسفه (د، و) دانش های خاص

۱۱- آیا بین فلسفه های مضاف و علوم مختلف ارتباط وجود دارد؟ توضیح دهید .

آری زیرا مبانی و زیربنای علوم در فلسفه های مضاف قرار دارند و آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد .

۱۲- مکتب اصالت فرد در علوم اجتماعی را توضیح دهید.

گروهی از فیلسوفان پیرو اصالت فرد هستند و جامعه را مجموعه ای از افراد می دانند که کنار هم زندگی می کنند

۱۳- مکتب اصالت جامعه در علوم اجتماعی را توضیح دهید .

گروهی از فیلسوفان معتقدند که افراد یک جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند و افکار و اندیشه ها و تصمیم گیری های آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است .

۱۴- اثرات اعتقاد به اصالت فرد یا اعتقاد به اصالت جامعه سبب بروز چه نوع مکاتبی می شود ؟

آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته و در برنامه ریزی های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن، بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارند و در سیاست نیز معتقد به « لیبرالیسم » هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است.

اما آنان که به اصالت جامعه معتقدند، برنامه های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آنان، سمت و سوی اجتماعی دارد و منافع جمع را در اولویت قرار می دهند و در سیاست نیز به « سوسیالیسم » اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است.

۱۵- دیدگاه فلسفی کسانی که هم به اصالت فرد و هم به اصالت جامعه معتقدند را بنویسید.

این گروه معتقدند که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند. همچنین معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در جامعه شکل می گیرد که می تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگی ها و ساختار جامعه قرار دهد. این دیدگاه فلسفی قائل به اصالت فرد و جامعه، توأمان است.

۱۶- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|--|----------------|
| الف) تأمین کننده منافع جمعی | ۱- هستی شناسی |
| ب) بررسی قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود | ۲- سوسیالیسم |
| ج) تأمین کننده آزادی های فردی | ۳- معرفت شناسی |
| د) توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد. | ۴- لیبرالیسم |
- جواب: الف) ۲ (ب) ۱ (ج) ۴ (د) ۳

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- دو بخش اصلی و ریشه ای فلسفه را نام ببرید؟ وجودشناسی - معرفت شناسی
- ۲- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند چه نامیده می شود؟
وجودشناسی یا هستی شناسی
- ۳- دانشی که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد چه نام دارد؟ معرفت شناسی
- ۴- یکی از شاخه های مهم فلسفه است را نام ببرید. فلسفه علوم اجتماعی
- ۵- یکی از مسائل مورد توجه فلسفه علوم اجتماعی چیست؟ آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد
- ۶- به ترتیب، کدام مکتب، تأمین کننده آزادی های فردی و کدام یک تأمین کننده منافع جمعی است؟
لیبرالیسم - سوسیالیسم
- ۷- کدام دیدگاه معتقد است که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می گیرند، اما هیچ گاه قدرت اختیار و تصمیم گیری خود را از دست نمی دهند و توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و حتی تغییر جامعه را دارند؟
دیدگاه کسانی که هم به اصالت فرد اعتقاد دارند و هم به اصالت جامعه

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- دانش فلسفه دارای یک بخش و تعدادی بخش های ... است. اصلی - فرعی
- ۲- بخش اصلی دانش فلسفه به منزله ... فلسفه است و بخش های فرعی در حکم ... آند. ریشه و اساس، شاخه ها و ستون های
- ۳- بخش اصلی فلسفه در صدد بحث و بررسی اصل و حقیقت و مسائل پیرامون آن است. وجود
- ۴- فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود است به دست آورند. هستی (وجود)
- ۵- از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر آن است، فیلسوفان می خواهند توانایی انسان در شناخت ... را بررسی کنند.
امکان شناخت - هستی
- ۶- فیلسوفان می خواهند بدانند که بشر و با چه می تواند به شناخت هستی پردازد. چگونه - ابزاری
- ۷- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه به دو بخش و تقسیم می شود. هستی شناسی - معرفت شناسی
- ۸- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند نامیده می شود. هستی شناسی
- ۹- دانشی است که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می دهد. معرفت شناسی
- ۱۰- شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی و را به محدوده های خاص منتقل می سازند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می کنند. وجودشناسی - معرفت شناسی
- ۱۱- به شاخه هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت می گویند. فلسفه های مضاف
- ۱۲- یکی از مسائل مورد توجه در این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد. فلسفه علوم اجتماعی
- ۱۳- آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت ... را بر منافع مقدم می دانند. افراد - جامعه
- ۱۴- طرفداران اصالت فرد، در سیاست معتقد به هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است. لیبرالیسم
- ۱۵- طرفداران اصالت جامعه معتقدند که افراد یک جامعه، نقش و مستقلی ندارند و افکار و تصمیم گیری های آنان تابع اجتماعی آنان است. هویت - شرایط
- ۱۶- طرفداران اصالت جامعه در سیاست به اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است. «سوسیالیسم»

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است. درست
- ۲- بخش اصلی دانش فلسفه به منزله ستون فلسفه است و بخش های فرعی در حکم ریشه آند. نادرست
- ۳- بخش اصلی فلسفه در صدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است. درست
- ۴- فیلسوفان تلاش می کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند. درست
- ۵- از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر ضرورت شناخت آن است، فیلسوفان می خواهند توانایی انسان در شناخت جهان را بررسی کنند. نادرست
- ۶- بخش اصلی و ریشه ای فلسفه به دو بخش هستی شناسی و وجود شناسی تقسیم می شود. نادرست

۷- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند معرفت شناسی نامیده می شود

نادرست

۸- فلسفه های مضاف آن دانش هایی هستند که می توانند توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار دهند

نادرست

۹- شاخه های دانش فلسفه، در صدد هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های عام

منتقل می سازند و قوانین خاص آن محدوده از وجود را بیان می کنند. نادرست

۱۰- یکی از مسائل مورد توجه در فلسفه علوم این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد. نادرست

۱۱- آنان که به اصالت فرد معتقدند، همواره منافع و مصلحت جامعه را بر منافع افراد مقدم می دانند. نادرست

۱۲- طرفداران اصالت فرد، در سیاست معتقد به سوسیالیسم هستند که تأمین کننده آزادی های فردی است. نادرست

۱۳- طرفداران اصالت جامعه معتقدند که افراد یک جامعه، نقش و هویت مستقلی ندارند و افکار و تصمیم گیری های

آنان تابع شرایط اجتماعی آنان است. درست

۱۴- طرفداران اصالت جامعه در سیاست به لیبرالیسم اعتقاد دارند که تأمین کننده منافع جمعی است. نادرست

۱۵- می توان برای هر رشته علمی یک شاخه ای از فلسفه نیز طراحی کرد. درست

سوالات تستی

۱- کدام سوال به حوزه معرفت شناسی مربوط می شود؟ (سراسری ۹۷)

۱) آیا یادآوری خاطرات خوشایند، بر همه انسان ها تاثیر یکسان دارد؟

۲) اگر حافظه جایی در مغز داشته باشد، خاطره یک کوه را چگونه می توان جای داد؟

۳) آیا فعالیت های مغز در زمان مرور خاطرات خوش و خاطرات رنج آور، یکسان است؟

۴) زمانی که انسان محبت نسبت به کسی را در خود احساس می کند، آیا در مغز او نیز اتفاقی می افتد

۲- کدام دانش به این سوال که « آیا در هستی، قانون علیت جاری است یا نه.» پاسخ مناسب تری می دهد؟ گزینه ۳

۱) معرفت شناسی (۲) فلسفه طبیعت (۳) وجودشناسی (۴) فلسفه مضاف

۳- دانشی که درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می کند و دانشی که توانایی انسان در شناخت

هستی را مورد مطالعه قرار می دهد به ترتیب عبارتند از:

۱) معرفت شناسی - هستی شناسی (۲) - هستی شناسی - وجود شناسی

۳) فلسفه های مضاف - هستی شناسی (۴) هستی شناسی - معرفت شناسی

۴- کدام یک از گزینه های زیر، در زمره فلسفه های مضاف به شمار نمی رود؟

۱) فلسفه علم (۲) فلسفه هنر (۳) فلسفه اخلاق (۴) فلسفه اولی

گزینه ۴

۵- درباره فلسفه های مضاف نمی توان گفت:

گزینه ۳

- ۱) فلسفه فرهنگ، فلسفه تکنولوژی و فلسفه حقوق فلسفه های مضاف می گویند زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است .
- ۲) میان هستی شناسی و معرفت شناسی هر فیلسوف با فلسفه مضاف او رابطه وجود دارد .
- ۳) به عنوان یکی از اقسام هستی، در داخل همان وجودشناسی قرار می گیرد و امروزه با عنوان مستقل مطرح می شوند.
- ۴) آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد .

۶- کدام عبارت نادرست است ؟

گزینه ۱

- ۱) مبانی و زیربنای علوم در معرفت شناسی قرار دارند.
- ۲) شاخه های دانش فلسفه، آن دسته از دانش های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت شناسی را به محدوده های خاص منتقل می سازند
- ۳) آنچه در فلسفه های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می گیرد .
- ۴) امروزه دامنه فلسفه های مضاف بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی، دارای شاخه ای از فلسفه است .

۷- به ترتیب ، کدام نظریه، به درستی توصیف کننده عقیده لیبرالیسم و سوسیالیسم در سیاست است ؟

گزینه ۲

- ۱) اصالت فرد- اصالت فرد و اصالت جامعه
- ۲) اصالت فرد- اصالت جامعه
- ۳) اصالت جامعه- اصالت فرد
- ۴) اصالت جامعه- اصالت فرد و جامعه